

نقش میدان‌های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تأکید بر شهرهای ایرانی^۱

سعیده نژادستاری*

دانش‌آموخته دکتری شهرسازی؛ «واحدعلوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی»

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲۲۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۲۲۱۰

چکیده

تشنه‌کامی شهرهای ایرانی امروز به هویت، یکی از واقعیت‌های محسوس است که در پی ولع تجربه مدرنیته که از نه دهه پیش آغاز شد، بروز کرده است. ابتلافاً ناشی از ماشینیسم که بر تضعیف بنیادهای زیست اجتماعی دامن می‌زند، حضور پیاده در فضای شهری را و کم‌رنگ و زمینه حضور سواره را قوت بخشیده است؛ از این رو، عمده‌گره‌های شهری در قالب فلکه‌ها به وجود آمده و میدان‌ها قربانی این تحول شده‌اند. این مقاله به یکی از مصادیق کالبدی اثرگذار بر تلقی‌های هویتی می‌پردازد و لذا مسئله حذف میادین از گونه‌های فضاهای شهری محور اساسی بحث قرار گرفته است. فرض بر این است که این گونه اصلی واجد توانایی‌هایی برای احیا و تقویت زندگی شهری است و حذف آن عواقب و آسیب‌هایی را می‌زاید که با بهره‌گیری از گونه‌های دیگر جبران نمی‌شود، لذا هدف، شناخت تفاوت ماهوی میدان با دیگر گونه‌ها و تبیین نقش میدان در شهر است با روشی مبتنی بر تحلیل و سپس استقرار استنتاج‌ها بر بنیان، تعریف میدان، شناخت ماهیت میدان و شناخت نقش‌های میدان بیان شده است. بر این اساس، میدان به عنوان عرصه‌ای برای غلبه سکون بر حرکت در شهر، توان تمرکز بخشی به بافت، نمودار کردن کلیت بافت، ارتباط عناصر پیرامون، تقویت صفت خوانایی، ایجاد گرانش و نیز معنادار کردن حضور جمع را دارد و صورت و نمودی از بافت شهری است. لذا حذف این گونه، منجر به آسیب‌هایی می‌شود که به اختصار عبارت‌اند از: انتقال بی‌کیفیت رخدادهای دیگر گونه‌ها و ایجاد تنش در نقش دیگر گونه‌های فضای شهری، فراهم آمدن زمینه‌های تفرّدگرایی، واگرایی بافت شهری و ناتوانی بافت در نمایاندن هویت شهری.

واژگان کلیدی: میدان، عرصه، مسیر، زندگی جمعی، هویت شهری

مقدمه

شهر کجاست؟ آیا شهر مکتبی برای زندگی کردن است یا جایی است که می‌توان در آن زندگی را سپری کرد؟ به راستی امروز شهرها تا چه حد توان پاسخ‌گویی به مراتب نیازهای انسانی را دارند؟ شهر امروز انبان جمعیت و خدمات است یا سرمنزلی شایسته انسان و انسانیت؟ آیا انسان شهرنشین به دنبال چنین سرای سعادت‌ی تاریخی را تجربه کرد؟ آیا امروز این اثیله‌های جمعیت و خدمات (شهرها) بر دوش بشر سنگینی نمی‌کنند؟

در این مقاله با پاور به این مهم که فضای شهری نگاره‌ای آمیخته از دو رکن اصلی کالبد (حاوی معنا و بستر عملکرد) و مردم است، توجه به مسائل اجتماعی و هویتی زندگی در شهرهای امروز در رابطه با مصداق کالبدی آن مد نظر است. یافتن صورت‌های کالبدی بی‌هویت، نخستین گام برای تقویت بافت شهر و توانمندسازی آن برای انتقال حس هویت به شهروندان است. اگر امروز از شهر سرود زندگی جمعی به گوش نمی‌رسد، مگر جایی برای سرودن زندگی جمعی هست؟ مکان زیست جمعی در شهر کجاست؟ به دنبال این پرسش، آن چه در این پژوهش به عنوان مسئله، محوریت می‌یابد، اِشکالی است که امروز در ترکیب گونه‌های فضاهای شهری وجود داشته و منجر به حذف گونه‌هایی چون میدان‌ها و پیاده‌راه‌ها و عرصه‌های حضور انسان در مقیاس انسانی برای برقراری روابط و تعاملات رو در رو شده است.

در این مقاله فرض بر این است که میدان‌های شهری از فضاهای اصلی شهر هستند و عرصه زندگی کردن و بروز تلقی‌های هویتی را در اختیار مردم می‌گذارند. لذا توان ایفای نقشی را در بافت شهر و سازمان دادن فعالیت‌هایی دارند که امکان بروز آن‌ها در دیگر گونه‌ها نیست، یا با افت کیفیت رخداد مواجه هستند. همچنین، به عنوان فرضیه خاص پژوهش، تعادل میان حرکت و سکون با تعادل میان گونه‌های گره و مسیر، میسر می‌شود و حذف میادین در بافت شهری امکان برخورداری از بافت متعادل شهری را مختوم می‌کند. هدف نخست بازشناخت نقش کالبدی و هویتی این گونه از فضاهای شهری و هدف دوم معرفی عواقب ناشی از تنزل جایگاه میدان شهری است. با دست‌یابی به این اهداف، شهر بدون میدان، صورت و نمود کالبدی شهری است که بافت آن در القای هویت شهری به انهمان مردم ناتوان است.

روش تحقیق

با توجه به محتوای مسئله تحقیق، این پژوهش بر مباحث کیفی از نوع نظری - کاربردی متمرکز است. فرآیند تحقیق با وضع مسائل پی در پی، در قالبی گام به گام سامان‌دهی شده و نهایتاً با توجه به لزوم ماهیت بازشناخت نقش میدان در بافت، روش قیاسی و تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. بر مبنای این روش‌ها در بخش نظری تحقیق، با روش استقرایی به ارائه استنتاج‌ها پرداخته شده است.

پیشینه‌ها و سوابق

توجه به گونه گره و زیرمجموعه آن (میدان) در میان فضاهای شهری، حاصل دغدغه صاحب‌نظران مباحث شهری در جهت افزایش

کیفی و کتی حضور مردم در عرصه شهر است. در نگاه پژوهشگران، حداقل پنج موضع زیر قلیل پیگیری است:

۱. رویکرد هنری و زیباشناختی: توجه به میداین به عنوان گونه‌ای لازم برای نیل به کیفیت مطلوب جسمی و روانی در شهر،
۲. رویکرد تاریخی: تحلیل و بررسی فضاهای شهری و میداین در بافت‌های تاریخی و برشمردن کیفیت‌های ناشی از آن‌ها،
۳. رویکرد گونه‌شناختی: بر مبنای معیارهای کالبدی، شکلی، عملکردی یا دیگر معیارها از میدان‌ها دسته‌بندی انواعی ارائه و ملزومات پژوهش در این زمینه فراهم شده است،
۴. رویکردهای تحلیلی: شناخت میدان به وسیله اجزایی که منجر به ارائه معیارهایی برای طراحی و ارزیابی میداین می‌شوند،
۵. رویکرد قیاسی: شناخت وضع موجود و قیاس نمونه‌های ایرانی با نمونه‌های غیرایرانی یا قیاس با نمونه‌ها در دورمهای زمائی و مطالعه روند تحول فضا.

به عنوان مصادیق تقسیمات مذکور، این موارد قابل اشاره است: کامیلوزیته^(۱) شهرساز اتریشی با رویکردی زیباشناخته میدان و در کنار آن خیابان را دو گونه‌ای می‌داند که هر شهری باید حداقل واجد چند نمونه مطلوب آن‌ها باشد تا برای ساکنان لذتبخش و افتخار آفرین باشد. روح بشریت را زنده کند و احساسات پاک و بزرگ را در جوانان پرورش دهد. او به مباحثی چون محوریت، ارتباط میان بناها، شکل و اندازه میدان، ترکیب میدان‌ها و تشکیل میدان‌های گروهی و موضوع حضور عناصر طبیعی در میدان می‌پردازد. همچنین به آزاد گذاشتن میله میدان تأکید دارد و طراحی عنصر میله را از اثرگذاری بر خط دید سردرها و بخش تزئینی منع می‌کند (آسیلی، ۱۳۸۹: ۴۶).

در بررسی‌های پاول زوکر^(۲) از میدان‌ها، رویکرد تاریخی و گونه‌شناختی غالب است و لذا میدان به انواع زیر تقسیم می‌شود:

۱. میدان محصور و بسته که برای خود فضایی کامل محسوب می‌شود.
۲. میدانی که فضای آن به سوی عنصری مسلط جهت داده شده است.
۳. میدانی که فضایش حول مرکزی شکل گرفته است (میدان هسته‌ای).
۴. مجموعه میدانی که متشکل از چند فضا هستند.
۵. میدان بی‌شکل که فضایش نامشخص است. او اشاره می‌کند که دو یا چند نوع از این موارد ممکن است توأمان در یک میدان حادث شوند (توسلی، بنیادی، ۱۳۷۱: ۴۲).

نگاه راب کریر^(۳) به میدان در زیرمجموعه رویکردهای گونه‌شناختی و دیدگاهی ریخت‌شناسانه است. اصل و مینا در مطالعات وی شکل میدان‌هاست. باید اشاره کرد که شالوده این تقسیم‌بندی‌ها توجه به میدان‌های شهری اروپایی است. از این رو، ضرورت پژوهشی که به ریخت‌شناسی میداین ایرانی بپردازد، روشن می‌شود.

توماس تیس اونس^(۴) نیز با نگلهی گونه‌شناختی چهار نوع میدان را بررسی می‌کند که عبارت‌اند از: میدان‌های با جهت نامشخص، میدان‌های با جهتی خاص، میدان با هسته متمرکز و میدان‌های مربوط به هم (تیس اونس، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۳).

زبان فارسی نکاتی قابل اشاره است. معنای این کلمه مفهوم ظرفیت و جا و مکتبی را برای بودن چیزی و محتوایی در بر دارد. میدان شهری جایی برای بروز وقعه‌ای است که ماهیت شهری دارد. نکته دیگر اینکه در ادبیات فارسی معمولاً به کلمه میدان کلمه‌ای مضاف می‌شود تا این ظرف به مظلوف و محتوای هویت یابد؛ به عنوان مثال، ترکیب‌هایی چون: میدان کاه فروش‌ها، میدان رزم، میدان بزم، میدان مال فروش‌ها، میدان نبرد و ... لذا میدان محلی است برای وقوع فعالیت‌ها. همچنین، استفاده از کلماتی چون میدان‌داری، میدان آریایی، میدان دادن، میدان کشیدن، ... در کلام فارسی تأکیدی بر این معناست. بر این معنا، میدان شهری ظرفی است که مظلوفش شهروندان و وقایع شهری است. بار معنایی که کلمه میدان در شهر ایرانی واجد آن است، این فضا را عرصه‌ای برای وقوع رویداد می‌داند و چنان‌که رابطه ظرف و مظلوف، فضا و مردم را توأمان و با هم معنا می‌بخشد. همچنین، با عنایت به جایگاه میدان در بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی واجد مراتب بودن و مرکزیت داشتن میدان اصلی، در بافت شهری خصوصاً در دوران اسلامی کاملاً مشخص است. از این رو، آن چه قابل اشاره است این که میدان در فارسی اصولاً به مفهومی که امروز در قالبی عامیانه به کار می‌رود (چرخه‌ای برای چرخیدن اتومبیل و متفرق شدن آن) جایگاه نداشته است.

کلمات لاتینی چون Piazza, Place, Plaza نیز به نقطه و کانون مرکزی شهر اشاره دارد. قابل اشاره آن که شهرهای انگلیسی برخلاف سرزمین اصلی اروپا دارای میدان مرکزی مشخص نبودند؛ اگر چه همه آن‌ها حداقل یک خیابان اصلی داشتند. واژه انگلیسی Street ریشه در کلمه لاتین Strata دارد. اما در انگلیسی مترادف کلمات لاتین Piazza و Place و Platz که به نقطه و کانون مرکزی شهر اشاره دارد، وجود ندارد. فضاهایی که در قرن هجدهم در قالب گونه میدان و بازار وجود داشتند، نیز آن معنا را به طور دقیق تداعی نمی‌کنند (Lloyd, 1992: 46).

در مورد میدان شهری، تعاریف متنوعی ارائه شده که به اختصار بیان می‌شود و در انتها به عنوان جمع‌بندی، تعریف مورد نظر این پژوهش از میدان و اجزای آن که از دستاوردهای این پژوهش است ارائه می‌گردد.

- میدان حاصل و برآیند سه عنصر اصلی کناره و میانه و فعالیت است که مجموعه آن‌ها هویت میدان را تعریف می‌کند (ثقی زاده، ۱۳۸۵: ۱۷).

- میدان یا حیاط عمومی شهر نقش جمع کردن خله‌ها یا عنصر شهری و محله‌ای را داشته است (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱: ۴۱).

- میدان فضای باز شهری است که با حضور و مکتب معنی‌دار انسان و به منظور و مقصود معینی در ارتباط با حرکت جمعیت، موجودیت یافته است. علاوه بر آن که جلوه‌های روشنی از فضا برای ایجاد ارتباط دارد و تماس و فعالیت آدمی را نمایان می‌سازد (برومند، ۱۳۷۴: ۱۳).

- میدان فضای باز وسیعی است که دارای محدوده‌ای محصور یا کما بیش معین است و در کنار رانها یا در محل تقاطع آن‌ها قرار داشته است. میدان دارای کارکرد ارتباطی، اجتماعی، تجاری، ورزشی، نظامی یا ترکیبی از دو یا چند کارکرد مزبور بوده است (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۸۲).

در مطالعات کلیف ماتین^(۴) نیز با تأکید به ویژگی‌های شکلی، میدان در انواع بسته، پیش فضا، کثونی، ترکیبی و بی‌کرانه بررسی می‌شود (Moghtin, 1992: 99).

در مورد میادین ایران با رویکردی تاریخی^(۵) و با توجه به فعالیت‌ها و وقایع درون میدان، با معیار عملکردها گونه‌شناسی شده است. این تقسیم‌بندی که با ماهیت میدان ایرانی مطابقت دارد، تأکیدی بر غنای محتوایی میدان ایرانی است.

در حوزه مکتب شهرسازی اصفهان^(۶) میدان در سه سطح فراشهری، درون شهری و درون محله‌ای تعریف شده است. در این مکتب، میدان از جنبه شکل، ابعاد و مقیاس و درجه تلفیق و ضعیف جایگزینی در شهر بررسی می‌شود.

در کتاب راهنمای طراحی شهری در ایران^(۷) با نگاهی تحلیلی، معیارهایی ارائه شده است که طراحی و ارزیابی میدان را میسر می‌کند. این پژوهش از مرحله شناخت تاریخی فراتر رفته است و میدان را که گونه‌ای از گرهماس است در انواع شهری، محله‌ای و تشریفاتی بررسی می‌کند. در این تقسیم‌بندی، مقیاس (محله‌ای و شهری) و عملکرد (تشریفاتی بودن) محوریت دارند. در این پژوهش توقع‌هایی که از انواع هر یک از میدان‌ها می‌رود، تبیین و بسط داده شده و ضوابطی برای طراحی آن ارائه شده است.

در یک جمع‌بندی از نگاه پژوهشگران ایرانی به میدان، می‌توان اهمیت مقیاس و عملکرد را در تبیین انواع و نیز تحلیل و بررسی آن مشهود دانست. در حالی که در نگاه پژوهشگران غیر ایرانی ریخت‌شناسی محوریت می‌یابد. این مطلب، یادآور ارزش‌های موجود در میدان ایرانی است که به محتوا و فعالیت‌های درون میدان و مقیاس و عملکرد آن و نیز سلسله مراتب عملکردی آن در شهر تأکید می‌کند. در مطالعات میدان ایرانی ضرورت دارد به دو جنبه اجتماعی و کالبدی توجه شود؛ به لحاظ اجتماعی، مظلوف میدان و فعالیت‌های درون آن و به لحاظ کالبدی شکل و ریخت‌شناسی و شناخت نقش آن در بافت شهر اهمیت می‌یابد.

در تأیید این ضرورت، در پژوهشی با عنوان تأملی در روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی^(۸) توجه پژوهشگران به تبیین مبانی نظری برآمده از جهان‌بینی و فرهنگ اصیل ایرانی و طبقه‌بندی ویژگی‌های میادین از نظر تناسبات بصری و عملکردی و هویتی و ... معطوف شده و میدان و هویت خاص آن را گونه‌ای آسیب‌دیده در گذار از گذشته به حال معرفی کرده است.

آن چه در تداوم مطالعات و مطابقت با شرایط امروز، ضروری به نظر می‌رسد پرداختن به ضرورت‌های وجود میدان و نقش این فضای گمشده شهرهای امروز در بهبود ویژگی‌های کیفی محیط شهری است.

تعریف میدان و اجزای میدان با تأکید بر الگوی ایرانی

واژه میدان به طور عام این گونه تعریف شده است: میدان، مرکب از می + دان (پسوند ظرفیت)، ظرف و آوند شراب و پیاله شراب‌خوری، در فارسی به معنای پیاله می است، عیش فراخ خوش، صفحه، زمین بی عمارت (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۱۹۵۵).

با نگاهی به معنای لغوی میدان برای باز شناخت این مفهوم در

بستری برای تعاملات اجتماعی است. حال آن که در مورد درجه عمومی و خصوصی بودن آن و در مورد ویژگی‌های کالبدی فضای شهری می‌توان آرا و دیدگاه‌ها را در یک طیف، نظام داد. ضرورت بروز تعاملات اجتماعی در عرصه شهر از آن جاست که انسان نه تنها متمایل به در اجتماع بودن است، بلکه مستعد اذیت‌گذاری و اثرپذیری از آن است. فضای شهری می‌تواند موجب تسهیل روابط اجتماعی، پالایش ساخت اجتماعی، فرآیند اجتماعی شدن و عرصه اعمال موازین و هنجارهای اجتماعی و به عبارتی عرصه نمایش زندگی باشد (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۸).

شهر به عنوان ظرف اجتماع، کالبدی برای تدوین فعالیت‌های جمعی است. این فعالیت‌ها هر چه باشند و با هر ساختار و نظام فکری که رده‌بندی و تفکیک شوند، فعالیت‌هایی در قالب حرکت و جلیه جایی یا در قالب سکون و مکث هستند. بیان دقیق‌تر آن که فعالیت‌ها توأمان در قالبی آمیخته از حرکت و مکث وقوع می‌یابند، در برخی مکث و در برخی حرکت غلبه می‌یابند. راب کریر این مفهوم را با قائل شدن دو گونه بنیادین فضای شهری تبیین می‌کند، این دو گونه میدان و خیابان هستند و البته در مقیاس معماری نیز این معنا در قالب شکل‌های کالبدی اتاق و راهرو قابل بررسی است (کریر، ۱۳۸۳: ۱۶).

حرکت و مکث (تأمل و درنگ) در معنابخشی به فضا ایفای نقش می‌کنند و هر یک برای قطعی کردن ویژگی‌های فضا به سمت معنای مورد نظر با به کارگیری تمهیداتی زیباشناختی فضا را معنا می‌بخشند؛ به عنوان مثال، گونه‌هایی از فضای شهری که در آن‌ها حرکت اهمیت می‌یابد، با مفاهیم خوانایی و روانی غنا پیدا می‌کنند و ریتم و تکرار و تشابه و تداوم، جنبه‌های اثرگذار بر کیفیت فضا هستند. در این فضاها شکل کالبدی، مسیرگونه و خطی است. در حالی که در فضاهای سکون مفاهیم مکث و تأمل و درنگ تقویت می‌شوند و شکل کالبدی و تناسب‌های فضا به سمت عرصه تغییر می‌یابد و به لحاظ تناسب‌های فرمی و شکلی در آن‌ها گشادگی نسبت به دیگر گونه‌ها مشهود است؛ این وضعیت از ویژگی‌های میدانی است. چرا که برای میدان به عنوان فضای شهری ویژگی‌هایی از جمله گشادگی نسبت به معبر و محل تقاطع چند معبر و ... قلیل ذکرند (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۱۷).

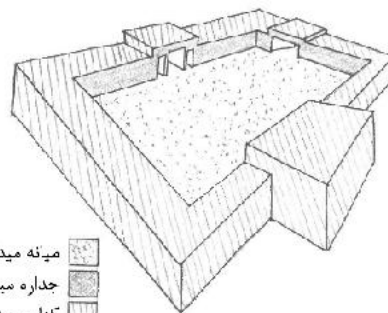
در ساختار فعلی برنامه‌ریزی شهری، سهم مورد نظر زمین برای مسیرها، بخش مسکونی، تجاری، خدمات و ... در نظر گرفته می‌شود. اما سهمی از زمین که قابل تخصیص به عرصه‌های زندگی جمعی است که دارای ملهت سکون و درنگ و مکث هستند، مغفول است. این گونه فضاها لاجرم باید در زیرمجموعه‌ای از مسیرها سرانه‌ای را به خود اختصاص دهند. حال آن که میدان در مفهوم بنیادین خود ماهیتی مجزا از مسیرها و حتی در تقابل با آن دارد، این مسئله سبب بروز تحولات کالبدی تدریجی شده که مصداق آن نامیدن فلک‌ها با عنوان میدان است. شهرهای امروز ایران به کرات حاوی تله‌وهای راهنمایی هستند که در آن‌ها کلمه میدان به غلط به جای فلک به کار برده شده است. لذا میدان را دنباله مسیرها در اذهان شهروند تداعی می‌کند. حال آن که به تعبیر ترانسپیک این مسیر است که در تداوم میدان حادث می‌شود

- به تعبیر راب کریر از میدان، ویژگی‌های این فضا در ساختمان‌های مذهبی نیز بروز می‌کند. این تعریف به شکل‌گیری میدانی اولی در شهرها نظر دارد و با احتمال قوی، میدان را نخستین تمهید انسان برای استفاده از فضای شهری می‌داند. از نظر کریر میدان از تجمع خنده‌ها، دور تا دور فضایی باز به وجود می‌آید. این چیدمان، کنترل بسیاری را برای فضای درونی با به حداقل رساندن سطوح خارجی و آمادگی دفاعی در برابر حمله‌های بیرونی میسر می‌سازد. به گمان او میدان به مرور، ارزشی نمادین یافت و نمونه‌ای برای ساختمان‌های مذهبی چون حیاط مساجد شد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۴۴۶). با لحاظ کردن نکات این تعاریف، میدان و اجزای آن چنین صورت‌بندی و تعریف می‌شود:

میدان گونه‌ای از فضاهای شهری و مکثی برای حادث شدن تمرکزهای عملکردی و معنایی و بروز تعاملات اجتماعی و نیز ترکیب آن‌هاست. در این گونه از فضای شهری، عرصه بر مسیر و درنگ بر حرکت غلبه دارد. تعریف اجزای میدان به تحقیق تعریف این فضا می‌انجامد. اجزای اصلی و معمول در مورد میدان میله، جداره و کناره هستند (تصویر ۱).

میان‌ه: اصلی‌ترین جزء میدان است که با بودن آن معنای میدان ممکن می‌شود. میان‌ه حتی بدون جداره و کناره نیز توان تعریف میدان را دارد و ظرفیت درون یا فضای عمده میدان است که به کمک مفاهیم، وقوع عملکردها و ذهنیت‌ها یا به وسیله عنصر فیزیکی در مرکز یا پیرامون قابل تعریف است.

جداره: پیرامون و محیط میدان است که میدان را از دیگر فضاهای متمایز می‌کند. جداره، آرایش و انتظامی از چند صفحه است و از طریق آن ورود از بیرون به میدان یا از درون میدان به اینیه اطراف میسر می‌شود. جداره تمهیدی برای ایجاد محصوریت در میدان است. کناره: اولین لایه فضایی مرتبط با جداره میدان است که معمولاً کاربری‌هایی را در مجاورت جداره تعریف می‌کند و شامل فضاهای ورودی است که نفوذ بدان را میسر می‌کند. به لحاظ مراتب، گاه قلمرو آن عمومی چون میدان است و گاه قلمرو آن نیمه عمومی یا خصوصی است که نفوذ به آن به وسیله ورودی‌ها فیلتر می‌شود.

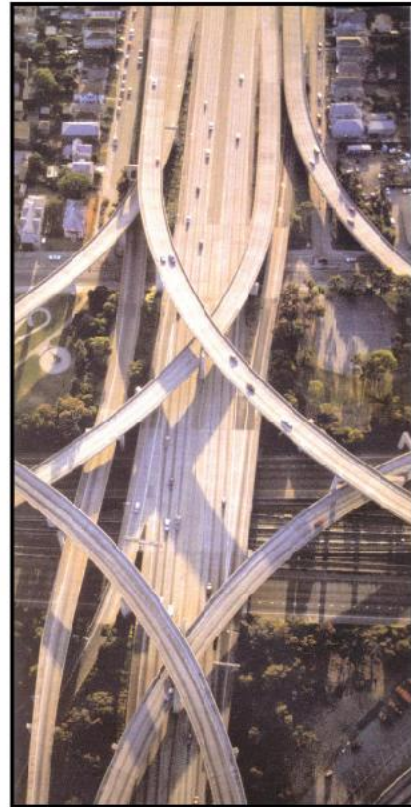


تصویر شماره ۱: اجزای میدان عبارتند از: میان‌ه، جداره و کناره.

شناخت ماهیت میدان

شناخت ماهیت میدان به عنوان گونه‌ای از فضاهای شهری در یافت و تفاوت ماهوی آن با دیگر گونه‌ها، نخستین گام به سوی تبیین نقش آن در شهر محسوب می‌شود. عموم متخصصان درباره فضای شهری در یک مورد کاملاً متفق‌القولند که: فضای شهری

و میدان، سازمان‌دهنده اولیه است (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۵۰۵).
چنین رویکردی توازن عرصه و مسیر را که در بلفت‌های تاریخی
ایران مشهود است، به سمت غلبه مسیرها بر عرصه و نیز غلبه
مسیرها بر کلیت فضا در بلفت‌های معاصر متحول می‌کند.



تصویر شماره ۲: مسیرها و حرکت، عمده‌ترین فضا و فعالیت شهری هستند
(منبع: مجله آبادی، شماره ۸ و ۹، ص ۸۶)

با غلبه مسیرها در کلیت شهر و کم‌اهمیت شدن عرصه‌های
حضور پیاده چون میدان، شهروندان مکثی را که در آن با هم بودن
و با هم ماندن را تجربه کنند، از دست می‌دهند. اتومبیل‌ها هر چند
به مردم فرصت و آزادی می‌دهند (برای بهره‌گیری از امکانات همه
گستره شهر) و آن‌ها را از خنثی بیرون می‌کشند، ولی آن‌ها را از هم
دور نگه می‌دارند و زندگی جمعی را کم رنگ می‌کنند (کریستوفر
الکساندر، ۱۹۲۷: ۶). مردم در ازای این حرکت آزادانه در گستره‌ای
وسیع، کریدورهای طولانی بسیاری را برای با هم رفتن به دست
می‌آورند، ولی به کجا؟ زمانی که عرصه و مقصدی برای حضور جمع
و رسیدن نیست، راه‌ها و مسیرها معنای خود را از دست می‌دهند
و به کریدورهایی به سمت مکان‌هایی با درجه عمومی پایین،
خصوصی یا نیمه خصوصی تبدیل می‌شوند. ماشین‌سبم و حرکت
سواره پرسرعت، خود بر از دست رفتن عمده‌ترین خصیصه فضای
شهری در مسیرها دامن می‌زند؛ چرا که به مردم امان تجربه کردن
نمی‌دهد. در مواجهه با چنین مسئله‌ای، ضرورت وجود میدان که
جمع را به حضور می‌خواند بروز می‌کند (تصویر ۲).

کم‌اهمیت شدن میدان‌های حضور پیاده و تسخیر شهر به وسیله
مسیرها و فلک‌های سواره با نام میدان، رونق گرفتن کریدورهای
حرکتی و فعال شدن بدنه‌های آن‌ها و انتقال فعالیت‌هایی که در

مراکز محله‌ها یا میداین شهری متمرکز بودند به خیابان‌ها، سبب
می‌شود که تعادل میان حرکت و مکث در شهر با وزن شدن
ماهیت حرکتی بر هم خورده و فضای عمومی که «فضای همبودی
و مکثی برای ارائه نقش و آزمون واقعیت‌ها و کنکاشی در تفاوت‌ها
و هویت و پهنه‌ای برای پذیرفته شدن توسط دیگران است» (منفی
پور، ۱۳۸۷: ۲۶۶) رنگ باز.

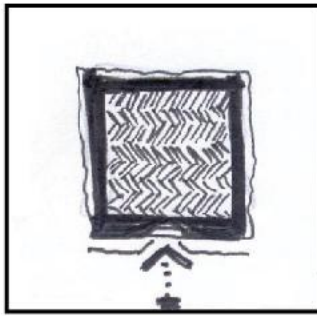
قبل توجه است که در میدان‌های پیاده و یا حتی در پیاده‌راه‌ها
از آن جا که حرکت را با ارگانیسم طبیعی بدن انسان میسر می‌کنند،
درک فضای عمومی توأم با بروز تعاملات اجتماعی است. در حالی
که حرکت ماشینی با لندای سرعت به بشر، همه جا را به تسخیر
بشر در آورده و در واقع همه مکان‌ها و فرصت تجربه کردن آن‌ها را
از او گرفته است. این نوع حضور در فضای شهری که به خیابان
رونق داده و بزرگراه‌ها را مقبول ساخته، میدان را قربانی کرده است
و انسان را از حضور در جامعه و تعاملات رو در رو معاف نموده و
او را به موجودی کز کرده در اتومبیل خود بدل کرده است. لذا
جای خالی فضاهایی چون پیاده‌راه‌ها و میداین در شهرها عواقب
اجتماعی و هویتی را می‌زاید که باید نسبت به آن‌ها هوشیار بود. به
طور خلاصه این که میدان‌ها فضاهایی شهری، دارای ماهیت قوی
سکون و مکث و درنگ، و میانه‌ای برای وقوع فعالیت بوده‌اند و در
آن‌ها احساس عرصه بر مسیر تفوق می‌یابد و راه‌کار آینده‌آلی برای
ایجاد توازن حضور پیاده و سواره در شهرها هستند.

این کیفیت حضور که شهروند پیاده در حال مکث و سکون
تجربه می‌کند، در هیچ گونه دیگری از فضای شهری با این قوت
حادث شذنی نیست. لذا میدان‌ها به علت ویژگی‌های ماهوی خود،
عرصه‌ای هستند که در ایجاد مکث و درنگ و تأمل توان‌مندی
دارند و گونه‌ای ضروری برای متعادل‌سازی نحوه حضور مردم در
بلفت شهری هستند.

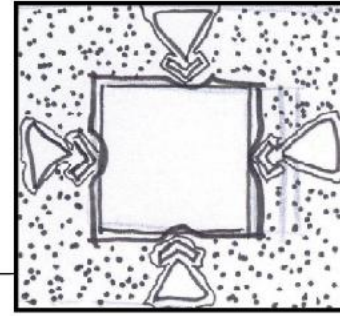
تفسیر تعریف و تطابق آن با الگوی ایرانی

حادث شدن تمرکزهای عملکردی - معنایی و بروز تعاملات
اجتماعی و نیز غلبه عرصه بر مسیر در فضای شهری میدان
ویژگی‌های عامی هستند که میدان، فارغ از خصوصیت ایرانی بودن
داراست. آن چه در این تعریف نیاز به تفسیر دارد، مطرح شدن
میانه به عنوان جزئی است که تنها با بودن آن معنای میدان ممکن
می‌شود؛ چرا که در عرصه شهر ایرانی برپایی میداین موقتی را
داریم که اعتبار خود را به عنوان میدان صرفاً از بروز یک تمرکز
عملکردی می‌یابند؛ به طور مثال میدان مال فروش‌ها یا میدان
کاه فروش‌ها یا میداین دیگری که محل فروش یا مسلبقه‌ها یا ...
بوده‌اند. لذا محصوریت کالبدی هر چند به قوت در الگوی ایرانی
مشاهده می‌شود، اما قبل اشاره است تلقی مفهوم میدان از فضا
مشروط به محصوریت آن نیست، بلکه عامل محصوریت به تداوم
مفهوم میدان در مکان خاص می‌تواند و آن چه ضروری و لازم
است، میانه و فعالیت‌های درون میانه است.

در این دیاگرامها، توان‌مندی‌های لازم برای ایجاد ساختار فضای شهری میدان موجود است (تمرکز و وجود فضای عمده و اصلی). همچنین زندگی مردمی متأثر از این تمرکز است. لذا عدم امتزاج این توان‌مندی‌ها مانع از شکل‌گیری فضای شهری با ماهیت میدان عمومی می‌شود. امتزاج این توان‌مندی‌ها در دوره اسلامی با فرایم آمدن امکان حضور مردم در فضای اصلی و عمده شهر با واقع شدن عنصر مردمی مسجد در کنار این فضا میسر شد و فضای شهری با ماهیت میدان عمومی با ویژگی ایرانی - اسلامی متولد گردید.



تصویر شماره ۴: وجود مرکزیت، فضای عمده و اصلی در شهرهای پیش از اسلام با درجه عمومی بسیار کم



تصویر شماره ۳: زندگی مردمی در اطراف مرکز در شهرهای ایرانی پیش از اسلام



تصویر شماره ۵: با امتزاج توان‌مندی‌های موجود در شهر ایرانی پیش از اسلام میدان عمومی و مردمی در شهر ایرانی - اسلامی تولد یافت. این امتزاج فراهم آمده از حضور مردم در عمده ترین و اصلی ترین فضای شهری برای بهره‌گیری از مسجد جامع است. از این روی ماهیت میدان در بدو ایجاد، ایرانی - اسلامی است.

می‌گیرند، مردمی نیستند و عرصه‌هایی که در بخش مردمنشین شکل می‌گیرند، از مجاورت با اصلی‌ترین نظام‌های مؤثر محرومند. فرو ریختن نظام کاستی و بسط تدریجی وحدت‌گرایی اسلام منجر به استخراج عرصه‌های حضور مردم و نهاد مؤثر مسجد (در شهر اسلامی) شد و فضای حاصل از آن میدان شهر اسلامی است که از مسجد جامع اعتبار می‌یابد و اعتبار جامع نیز از حضور عامه مردم است. لذا میدان شهر ایرانی در دوران اسلامی با درجه عمومی بالاتری قابلیت ایفای نقش دارد و الگویی بر مبنای نظم زندگی جمعی است؛ الگویی مستقل که پشتوانه آن نظم زندگی جمعی و باور توحیدی مردم است، و به لحاظ کارآمدی، تنوع فعالیت‌ها، شکل و اعتبار از نمونه‌های دوران سلوکی پیشی می‌گیرد و به همراه مسجد جامع عنصر هویت‌بخش شهر ایرانی دوران اسلامی می‌شود (تصاویر ۳ تا ۵).

با روری مفهوم میدان در دوران اسلامی

هر چند میدان به عنوان فضایی برای گرد هم آمدن، از ملزومات اولیه مجتمع‌های زیستی بوده است، در این بخش هدف بررسی سیر تاریخی تحول میدان نیست، بلکه تنها اشاره به شرایط و زمانی است که مفهوم میدان با جهش مواجهه شده است.

در شهرهای ایرانی پیش از اسلام، عامل کنترل‌کننده‌ای که نظم فیزیکی شهر نیز از آن متأثر بود، منجر به تفکیک طبقات اجتماعی می‌شد. نمود فیزیکی این تفکیک از مکان حضور همه مردم در بخش‌های ممتاز و اصلی که در تحصار نهادهای اصلی مؤثر در ساز و کار اداره شهر بودند می‌کاهد؛ لذا هر چند امکان دستیابی به مفهوم میدان در بلفت مجتمع‌های زیستی وجود دارد، اما درجه عمومی بودن آن کم است. چرا که عرصه‌هایی که در مرکز شکل

سوم: میثقه میدان معمولاً خالی یا جایگاه حضور عنصری چون آب است. میثقه میدان ایرانی با مجسمه یا عنصری مصنوع آراسته نمی‌شود، حتی فواره‌های میثقی حضور نیز از سطح آب بیرون نمی‌آید (تصویر ۸).



تصویر شماره ۸: مرکز در میدان ایرانی خالی از هر عنصر و با انعکاسی از آسمان را به واسطه حضور آب می‌نمایاند.

نقوش ویژه میدان در شهر

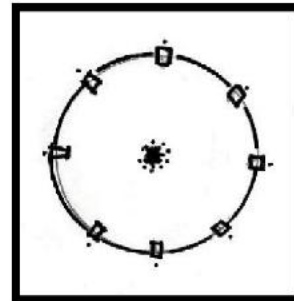
الف. میدان و نوان نمکرزبخشی: هر نوع تمرکزی، عاملی وحدتبخش است که عنصر و عوامل اطراف خود را به یک نقطه توجه می‌دهد. «امروزه در مقایسه با دوران‌های تاریخی پیشین، از اهمیت فضای عمومی در شهرها کاسته شده است. تمرکززدایی شهرها و فضایی‌زدایی در عرصه عمومی، بخشی از علت را تشکیل می‌دهد. در بسیاری از شهرها از دورانی که در آن به علت تمرکز شدید اجتماعی - فضایی به اهمیت فضاهای عمومی مرکزی افزوده می‌شود، به دورانی که مکان‌ها و فعالیت‌ها در شهرها از الگوی فضایی پراکنده‌تری تبعیت می‌کنند، تحولی صورت گرفته است. بنابراین فضای عمومی بسیاری از عملکردهایی را که قبلاً در زندگی اجتماعی برعهده داشته، از دست داده است» (مندی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

به تعبیر رم کولهاس^(۱۱) مرکز، قیدی است که البته شهر نظری او [شهر بی‌شناسه] از مقید شدن بدان گریزان است. آن چه در پیشینه کالبد شهرهای ایران نمود داشته است، همگرایی بلغم به سوی مرکز یا مراکز است که واجد نقوش عملکردی و مراتب تعریف شده‌ای بوده‌اند (تصویر ۹). هر چند الزامی برای حادث شدن مرکز شهر در قالب یک میدان وجود ندارد، اما تطابق خواست‌هایی که از مرکز وجود دارد بر ویژگی‌های میدان، سبب شده در بسیاری از موارد مراکز شهری (به عنوان نمونه در بافت تاریخی شهرهای ایرانی چون اصفهان، کرمان، یزد) به صورت میداین جلوه‌گر شوند. اگر از نقطه دور از مرکز، رغبتی برای به حرکت درآمدن به سوی مرکز وجود دارد، در مرکز مفهوم سکون و رسیدن به جایی قوت می‌گیرد و این توقع را میدان برآورده می‌سازد.

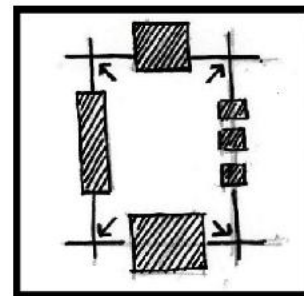
جهش دومی که در مورد میدان با آن مواجه هستیم، در دوران صفوی و با ایجاد میدان نقش جهان است. در این دوران، میدان در مرتبه فراشهری نمود کرد و به لحاظ ویژگی‌های شکلی به طرحی منظم و از پیش طراحی شده تبدیل شد. در این دوره هم سلسله مراتب میداین در بافت شهرها از همسایگی تا محله‌ای، شهری و فراشهری قابل مطالعه است و هم میدان، تنها عرصه‌ای باقی میان بنده‌ها نیست، بلکه به مثابه حیاطی دارای ویژگی‌های شکلی ویژه‌ای است که در بخش ویژگی‌های شکل میدان به آن‌ها پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های شکل میدان ایرانی

میدان ایرانی را به لحاظ شکل می‌توان دارای چند ویژگی کلی و عمده دانست. نخست فرم و شکل میدان و سازمان‌دهی فضایی، الگویی از حیاط ایرانی در مقیاس شهری است. این فضا دارای ویژگی‌های درون‌گرایی است. با مطالعه بافت‌های شهرهای ایرانی، درون‌گرایی نه تنها در فضاهای مسکونی و مساجد که در فضاهای شهری نیز مشهود است. با چنین دیدگاهی فضای درون میدان، فضای اصلی درون شهر است؛ جایگاهی امن و در بر دارنده حضور مردم. دوم، شکل میدان معمولاً مستطیل یا شکل‌های گوشه‌دار شبه مستطیل بوده است. شکل‌های نامنظم یا منحنی گاه در میدانتچه‌ها وجود داشته‌اند. بویژه از دوران صفوی که جهش بزرگی در سیر تحول تاریخی میداین ایجاد شد، این میداین به صورت طراحی شده ساخته شدند. در میداین مستطیل شکل امکان اهمیت دادن به یکی از اضلاع و تبدیل آن به جبهه اصلی وجود دارد که معمولاً رفیع‌ترین سردر را ورودی مسجد در میدان به خود اختصاص می‌دهد (تصاویر ۶ و ۷).



تصویر شماره ۶: در فضای دایره‌ای، شکل میدان امتیاز خاصی برای کناره‌ها ایجاد نمی‌کند و تنها مرکز اهمیت دارد.



تصویر شماره ۷: در میدان گوشه‌دار، جبهه‌ها دارای مراتب اهمیت هستند.

شناخت تحلیلی که برخوردی کارآمد در مواجهه با مجموعه‌های پیچیده است، دریافت و شناخت کل را از راه شناخت اجزا میسر می‌داند (نصری، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

در میان گونه‌های فضای شهری، میداین بویژه در مقیاس شهری، در انتقال درکی از کلیت به کاربران فضا، نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. در مقایسه با میدان، درکی که از کلیت شهر در خیابان شهری حاصل می‌شود، با توجه به ویژگی خطی و محوری خیابان و ماهیت حرکتی آن، به قوت درکی که از کلیت شهر در میدان حاصل می‌شود، نیست. شکل‌های خطی توان اشاره و جهت‌دهی به سمت نقطه و یا مکان مشخصی را دارند، اما خود مکان مورد نظر نیست. در حالی که میدان، نقطه و مقصدی برای جهت‌گیری دیگر اجزا است؛ جایی که مرکز تلقی می‌شود تا پیوند اجزا و قنون‌مندی پیوند را به نمایش گذارد (تصویر ۱۱).

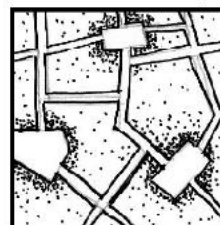
راچر ترانسیک^(۱۲) ترکیب دو گونه اصلی میدان و خیابان را فراهم آورنده ساختار شهر می‌داند. میدان به عنوان شکل سازمان‌دهنده اولیه، نقش ویژه‌ای دارد و خیابان تداوم آن و به تعبیری انعطاف‌پذیری آن معنا، برای ایجاد حرکت در شهر است. این ترکیب، امکان حدوث فضاهایی را که بتوانند به عنوان جزء به این استخوان‌بندی کلی بپیوندند، میسر می‌سازد (Trancik, 1986: 69).

میدان توان ویژه‌ای در وحدت‌بخشی دارد و فضایی دارای سکون را ایجاد می‌کند که ابتدا و انتهای حرکت را تعریف می‌کند (تیس اونس، ۱۳۸۷: ۵۱)، لذا از بنیادی‌ترین نقوش کالبدی میدان در بافت شهری انتقال درکی از کلیت آن به تجربه‌کنندگان است. به عنوان نمونه و تأکیدی بر این مدعا می‌توان به احداث میدان نقش جهان اصفهان و نقشی که در توسعه شهری ایفا کرده است، اشاره کرد. احداث این میدان، احداث یکی از اصلی‌ترین هسته‌های بخش توسعه شهر بوده است که وظیفه کشش جمعیت را از بافت قدیم به بافت جدید و نمایان‌سازی ویژگی‌های توسعه جدید و کیفیت آن و تفاوت با ساخت و سازهای پیشین و سبک به کار گرفته شده، داشته است. علاوه بر این که ارکان زندگی شهری صفوی را به نمایش می‌گذاشته است. لذا کلمه اصلی، جمله‌ای با مفهوم توسعه در شهر اصفهان را بر بافت نگاشته است. ساختار شهر به وسیله این عنصر معنا گرفته و الگوی توسعه آن به نمایش درآمده است. لذا این عنصر نمودی از کلیت شهر و عصاره‌ای مجسم از کلیت بافت است.



تصویر شماره ۹: میدان نقش جهان، امروز هم نقش مرکز هسته تاریخی اصفهان را بر عهده دارد (منبع: www.earthgoogle.com)

امروزه در کلان شهرهای ایران چون تهران و اصفهان مرکزیت یا مراکز با وضوح و سیمایی روشن در بافت شهری نمود نمی‌کند. بی‌مرکزی و بی‌میدانی دو عارضه متجسس شهرهای امروز ایران هستند. کم‌رنگ شدن نقش فضایی به نام مرکز در شهرها با تنزل جایگاه میدان در میان گونه‌های فضای شهری و نمود کالبدی از دست رفتن معنای تمرکز ارتباط دارد. در چنین بافتی که تمهیدی برای همگرایی کالبدی اندیشیده نمی‌شود، به سختی می‌توان ادعای همگرایی معنایی را عینیت بخشید. چرا که از ملزومات تلقی‌های هویت شهری که هویتی جمعی و مشترک بین شهروندی است، تکیه بر نقش تمرکزبخشی میدان است. قابل اشاره آن که با بزرگ شدن اندازه شهر، یک مرکز واحد توان و گردش لازم را برای هم‌پیوندی همه اجزا از دست می‌دهد و نیاز به مراتب متعددی از مراکز است (تصویر ۱۰).



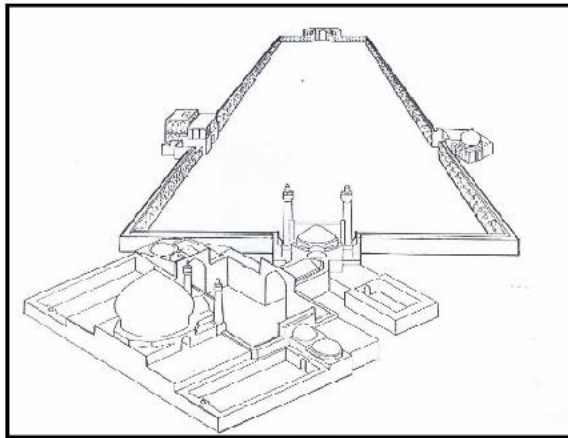
تصویر شماره ۱۰: میدان توان ایجاد تمرکزهای کالبدی و معنایی در شهر را دارد

ب. میدان و ارتباط آن با کلیت شهر: در مواجهه شهروند با پدیده شهر، درک کلیت شهر اهمیت ویژه‌ای دارد. شهر مشتمل بر اجزای کثیر است و تلقی شهروندان از کلیت شهر به نحوه ارتباط و پیوند اجزا برمی‌گردد. برای این منظور یکی از کارآمدترین طرق شناخت، شناخت تحلیلی است.



تصویر شماره ۱۱: میدان به مثابه حیاط شهری (منبع: مجله آبادی، شماره ۸ و ۹: ۱۸)

و ترکیبی را به نمایش گذاشته‌اند که به سمت بروز فعالیت‌های قطبی‌شده میل کرده‌اند. اما در شهرهای امروزی، فلک‌ها که نام میدان را بر خود نهاده‌اند، فرزند ناخلفی برای نمونه‌های پیشین شدند؛ چرا که نه عرصه‌ای برای ارتباط و اختلاط عناصر پیرامون داشته‌اند و نه برای آن چه در بدنه‌ها و جداره‌ها حادث می‌شود، برنامه ویژه‌ای وجود داشته است. این فضا راهمایی چمبره زده به گرد خود شدند که با ماهیت میدان ایرانی که مرکز را خالی از عنصر و مکتبی برای اختلاط عناصر پیرامون می‌خواست اصولاً متعارض بوده‌اند؛ مدرنیته و ولع ماشینیسم وجود گره در شهر را منحصر به فلک‌هایی کرد که متأسفانه نام میدان بر آن‌ها نهاده شده است (تصویر ۱۴).



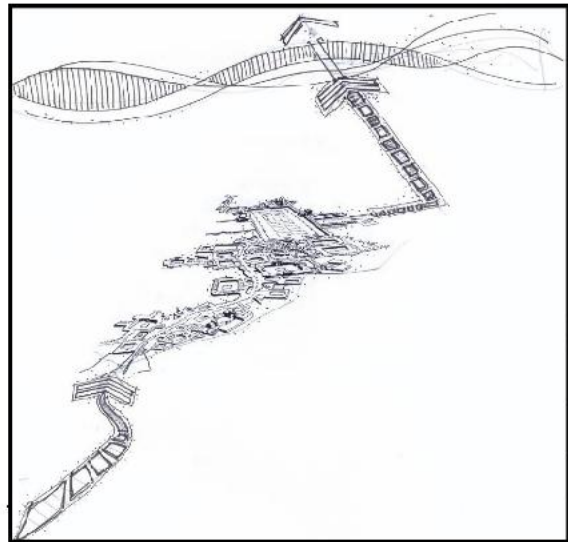
تصویر شماره ۱۳: در بندهای میدان نقش جهان هر یک از عناصر نمایانگر یکی از ارکان زندگی شهری دوران صفوی هستند. (این ارکان عبارتند از: مذهب، اقتصاد، حکومت مرکزی، علم) (منبع: گلکار جانشیری، ۱۳۷۷: ۳۹)

امروزه یکی از دلایل بی‌اقتبالی فضاهای میدانی و خالی شدن آن‌ها از رویدادها و به بیان بهتر خالی شدن طرف میدان از مردم، نبود پهنه‌ای در اطراف و بدنه آن‌هاست که به وحدت‌بخشی فضا بینجامد. انتخاب ساختمان‌ها و یادمان‌ها و مکان‌گزینی درست آن‌ها به احراز صفت وحدت فضایی توسط میدان و بروز نقش ارتباط‌دهندگی عنصر منجر می‌شود، در حالی که میدان امروز بیش از این که عرصه ارتباط‌دهنده و مفصل‌گونه باشد، آنبلی از اتومبیل است و لطف آن برای شهروند، فراهم آوردن فضایی برای پارک اتومبیل‌ها.

نقش میدان در تقویت صفت خوئایی در شهر

یان بنتلی^(۱۲) عوامل پنج‌گانه‌ای را که لینچ^(۱۴) برای تقویت صفت خوئایی در کلیت شهر مطرح می‌کند، در مقیاس‌های کوچک‌تر نیز کارآمد می‌داند. او درون حوزه‌ها را نیز به عنوان عرصه‌هایی درونی با عوامل گره، لبه، راه و نشانه قبل تقویت می‌داند (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

باید اشاره کرد این کیفیت‌ها نه تنها در حوزه‌ها، خوئایی شهر را تقویت می‌کنند، بلکه در میدان به خصوص با مقیاس شهری و تشریفاتی نیز ایجاد می‌شوند. با تأملی در توان سازمان‌بخشی میدان به شهر، این فضا در مقیاس محلی به عنوان قلب تپنده محله و در



تصویر شماره ۱۲: میدان نقش جهان؛ هدایتگر توسعه شهری (منبع: نژادستاری، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

میدان در نقش ارتباط و اختلاط عناصر پیرامون

فضای شهری میدان، عرصه‌ای برای پیوند دادن کاربری‌هایی است که در کناره میدان حادث شده‌اند. تنوع این کاربری‌ها در فضای حاکم بر میدان اثر بسزایی دارد. تنوع کاربری‌ها موجب می‌شود که اختلاط حاصل از تعامل آن‌ها سرزندگی و شور زندگی شهری را در میدان به نمایش درآید. اشتباهی که منجر به پخش‌ایش کاربری‌های اطراف میدان به مکان‌های مختلف بافت شهری و واگرایی همایش کاربری‌ها در اطراف میدان شد، ناشی از رویکرد مدرنیته و جداسازی کارکردهای شهری به زندگی و تفریح و کار و آمد و شد بود. به تعبیر راب کریر این جداسازی از اشتباه‌های شهرسازان مدرن است (کریر، ۱۳۸۳: ۸۲).

در شهرهای ایران از اواخر پهلوی اول شاهد پخش‌ایش کاربری‌های اطراف میدان در بافت شهری بوده‌ایم. از آن پس بازار منتهی به میدان، در قالب پاساژها و مجتمع‌های تجاری به وجود آمد و مساجدی با مقیاس شهری در مجاورت میدان احداث نشدند. کاربری نظامی میدان‌ها نیز به پادگان‌ها رفت و به طور خلاصه انسجام موجود در میدان تجزیه و فضاهای نقطایی شدند که به وسیله مسیرها به یکدیگر مربوط می‌شوند و لذا عرصه آمیختگی کاربری‌ها از دست رفت.

در گونه‌های تاریخی میدان ایرانی، ترکیب و اختلاط کاربری‌ها در میدان با ادرپذیری از عنصر مستقر در کناره میدان صورت می‌گیرد و حتی گاه در میانه میدان به صورت موقت نظام‌دهی می‌شود. این اختلاط سازمان‌دهی شده، فضای شهری را در عین این که بستر حدوث طیف وسیعی از رفتارهاست، در غالبی منسجم و منظم عینیت کالبدی می‌بخشد (تصویر ۱۳).

میدان‌ها در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران، حتی آن‌هایی که فعالیت‌های مشخصی داشته‌اند، چون میادین خرید و فروش، تجاری یا حکومتی یا ... با توان آمیزش دادن کیفیت‌های ناشی از کناره و جداره‌ها، هر یک حس مکان منحصر به فردی را آفریده‌اند



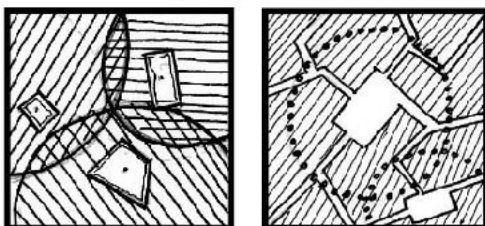
تصویر شماره ۱۴: در فلکه‌های ناقص میدان نام امروز مرکز، مکانی برای آمیختگی فعالیت‌های موجود در بدنه‌ها نیست، بلکه جزیره‌ای در میانه است

میدان به مثابه گرانث‌گاه شهری در بسط این ویژگی میدان و برای وضوح مطلب، دو تعریف ارائه می‌شود:

نخست، گرانث میدان: محدوده‌ای از بلفت اطراف هر میدان که امکان بهره‌مندی از سازمان فضایی و معنایی فراهم آمده در میدان را دارد. این مفهوم در برنامه‌ریزی شهری با نام آستانه فعالیت شناخته می‌شود.

دوم بلفت پشتوانه میدان: بلفت پشت هر جداره و کناره میدان است که به پشتوانه آن‌ها (به لحاظ فراهم آوردن امکان حضور کاربران) میدان با شهر پیوند می‌خورد.

با عنایت به تعاریف فوق، قبل اشاره است که هر میدان یا میدانچه در بلفت شهری به مثابه یک گرانث‌گاه در محدوده گرانث خود عمل می‌کند و به مثابه گونه‌ای از فضاهای نقطه‌ای، هسته‌ای را در هر محله شکل می‌دهد که برآورده شدن نیازها را در مقیاس گرانث خود که شهری یا محلی است، میسر می‌کند. لذا میدان در قوام یافتن مفهوم محله و اعتبار یافتن مرزها و حدود آن در کالبد شهر نقش مهمی ایفا می‌کند (تصویر ۱۶).



تصویر شماره ۱۶: گرانث میدان و همپوشانی گرانث محله‌ها، تعیین کننده محدوده‌ای است که میدان توان اثر گذاری بر بلفت اطراف خود را دارد

نقش میدان در گردآوردن جمعیت و معنادار کردن حضور جمع میدان که به تعبیر پاول زوکر نخستین تمهید انسانی برای بهره‌گیری از فضای شهری است، تواناترین گونه فضای شهری برای

مقیاس شهری به عنوان قابل‌ترین عرصه برای رویدادهای شهری هدف نهایی و مقصد مسیرها قلمداد می‌شود. میدان، راه را به سوی خود دعوت می‌کند و مفصل اتصال‌دهنده آن‌ها به شمار می‌رود. این فضا بویژه در بلفت‌های تاریخی ایران، غالباً در بدنه‌ها حاوی عناصر شاخص معماری بوده که نقش نشانه را در بلفت داشته است. لذا این فضا برای تقویت سیمای شهر و وضوح بخشیدن به آن نقش بسزایی ایفا می‌کند (تصویر ۱۵).

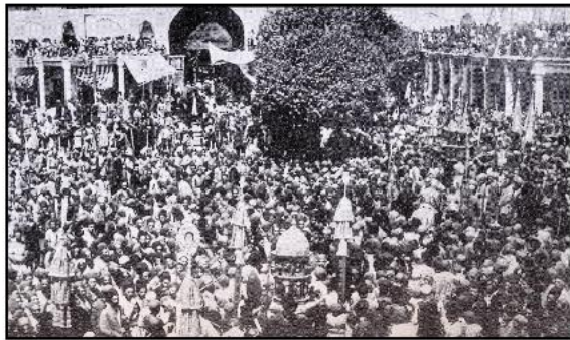
یکی از نقوش میدان در زیرمجموعه نقشی اشاره شده، انتظام راههای شهری است. در بلفت‌های تاریخی شهرهای ایران با بهره‌گیری از تباين و کشش به واسطه نشانه‌ها و علائم، حرکت از سمت دروازه‌های ورودی شهر به سوی سلسله مراتبی از عرصه‌ها چون میدانچه‌ها، سراها در بازار، کاروان‌سراها و ... هدایت می‌شده است. گویی مطلوب هر راه و گذر، وصول به عرصه حیات جمعی یا میدان است. لذا در میدان، تجمع‌پذیری (گره)، استقرار بناهای واجد تشخص (نشانه)، و سازمان‌بخشی مسیرها (مسیر)، بدنه‌های ممتد و اثرگذار در بلفت شهری (لبه) و نقش اساسی در یک حوزه اثرگذاری در محله، نقش بسزایی در خواتایی شهر ایفا می‌کنند.



تصویر شماره ۱۵: در بلفت‌های تاریخی، میدان مقدمه‌ای برای رخداد کاربری‌های حائز اهمیت است. از این رو گنبد و گلدسته‌ها (نشانه‌ها) معمولاً در کناره میدان ایجاد می‌شوند و ره‌پویان را به سمت میدان می‌خوانند.

چه اندازه دیگری شبیه من است (Shultz, 1962: 175).

میدان همچنین عرصه مناسبی برای گذران اوقات فراغت و استقبال از تعاملات اجتماعی تصادفی پیش‌بینی نشده و نیز عرصه‌ای برای بروز آیین‌ها و مراسم است که به غنای تجربه شهری می‌افزاید. لذا حذف میدان از بافت شهری، هم معنا با حذف بسیاری از تعاملات ارزش‌مند اجتماعی است که امکان بروز آن‌ها در دیگر گونه‌های فضای شهری بسیار کم و ناچیز است و یا با افت کیفیت رخداد همراه است. در واقع، نبود میدان به معنای حذف بخشی از زندگی جمعی است.



تصویر شماره ۱۷: سبزه میدان تهران و عزاداری عاشورا (رنگ و بوی مذهبی میدان) برگزاری آیین‌های مذهبی (منبع: محمد زاده‌مهر، ۱۳۸۲: ۲۷)

میدان به مثابه صورت و نمادی از معنای بافت شهری

میدان عرصه‌ای است گشاده که میدان دیدی برای نظاره بهتر اینیسه پیرامون خود فراهم می‌آورد. در این عرصه واقعیت آن گونه که هست قلم مشاهده می‌شود. چرا که مردم نقاط دید متفاوت به دست می‌آورند. به تعبیری «اگر مردم اشیا را از نقاط دید مختلف مشاهده کنند، بدون آن که تغییری در هویت آن بدهند، آن گاه واقعیت به معنای اصلی ظهور پیدا می‌کند» (منشی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۹۶). ریچارد هدمن^(۱۷) نیز با اشاره به اهمیت میدان دید، به رابطه اینیه با زمینه اشاره می‌کند و بر این باور است که جداره‌های محصور کننده میدان جایی است که ساختمان‌ها، سایه‌بان، مناره‌ها، تابلوها و ... مفهوم فضایی دقیق‌تر و درک‌پذیرتری پیدا می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۴۶۲).

اما این نقش میدان صرفاً در مرتبه ماده حادث نمی‌شود. میدان‌ها صورت و نمود آن چیزی هستند که بغلت شهری حاوی آن است و چون صورتی از بر درون خیر می‌دهند؛ به عبارتی دیگر، کیفیت فضایی ایجاد شده در میدان و وقوع رویدادها و نحوه حضور مردم به لحاظ کمی و کیفی در آن، نمایشی از چگونگی مناسبات زندگی جمعی مردم است. به عنوان نمونه می‌توان به نقش میدان نقش جهان اصفهان به عنوان میدان فراشهری در نمود هویت زندگی شهری عصر صفوی اشاره کرد. این میدان، عینیت و صورت مجسمی از ارکان زندگی جمعی مردم و تمدن صفوی را نشان می‌دهد و مذهب، حکومت، تجارت و دانش را دغدغه مردمان حاضر در عرصه زندگی شهری تعریف می‌کند.

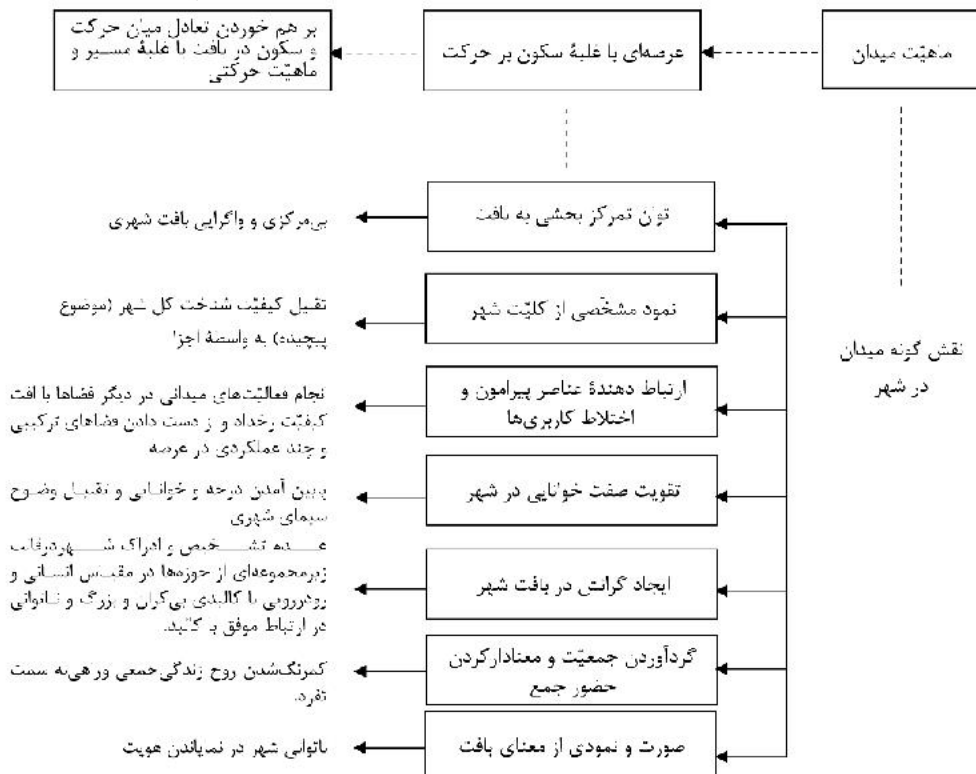
گردآوردن جمعیت است. این توانایی حاصل ماهیت عرصه گونه آن و تناسب‌هایی است که در ساختار کالبدی آن باید لحاظ شود و حداقل آن لزوم حادث شدن فضا در پهنه‌ای است که نسبت طول و عرض آن القای فضایی خطی و طولی نکند. این توان همچنین مرهون موقعیت قرارگیری این فضا به عنوان گره و نیز مفصل در شبکه معابر و مسیرها است.

با رویکردی تاریخی، اوصاف زیادی از الگوی یونانی و تأثیر آن در کیفیت زندگی جمعی در ادبیات شهرسازی موجود است. آگورا کلتونی برای یکپارچگی زندگی شهری بود و فراتر از آن عملکردهای رسمی، قانون‌گذار و دمکراتیک را گرد هم می‌آورد و فعالیت‌های جمعی گروه‌های مذهبی، دوستان و آشنایان را زمینه‌سازی می‌کرد. این فضا به عنوان عرصه‌ای برای معاشرت، آموزش زندگی سیاسی و مکتبی برای نظم اجتماعی کارآمد بود (Schmitt, 1990).

به تعبیر مامفورد^(۱۸) فضای عمومی زمینه‌ساز مشارکت است. میدان برای ایجاد تمایل به مشارکت از توانمندترین گونه‌های فضاهای عمومی است. چرا که محتوای آن رویدادی شهری و جمعی در قالب تأمل و درنگ بوده است و با وقوع زندگی شهری مردم در ظرفیت درون خود معنا می‌یابد؛ فضایی مشترک برای عموم که احتمال بروز فعالیت‌های اشتراکی نیز در آن بسیار است. بنابراین میدان از آن جا که می‌تواند نقشی سرزننده و دارای جاذبه‌های بصری ایفا کند، مکان تبلور حیات مدنی می‌گردد (کالن، ۱۳۷۰: ۱۰۲-۹۷).

مسیرهای منتهی به میدان، رهگذران را از بافت‌های اطراف به درون این فضا هدایت می‌کنند. از این فضا تعبیر به اتاق شهری یا حیاط شهری نیز شده است. این واژه‌ها مبتنی بر رویدادها، وقایع و بروز تعاملات اجتماع در ظرفیت درون میدان است. رویدادهایی که در میدان، شلوغی، آرامش، سکوت، هیاهو یا ... می‌آفریند، لازمه بروز هویت در این فضا است (هدمن، ۱۳۷۰).

با گذر از مسیرها و حضور در میدان، گشودگی عرصه امکان تقویت تعاملات اجتماعی را افزایش می‌دهد. چرا که مردم را به درنگ می‌خواند و امکان خرید و فروش، بروز فعالیت‌های دینی، ارتباط مردم و حکومت، ایراد سخنرانی‌ها و اعلان‌های همگانی، گردهمایی آیینی و ادای آداب و رسوم و باورها در میدان تقویت می‌شود. از این رو، می‌توان آن‌ها را صحنه اصلی حیات اجتماعی دانست (تصویر ۱۷). اجتماع در میدان - که منجر به حدوث رویدادی خاص می‌شود - حاوی معنا و بیانگر ارزش‌های جمعی مردم شهر است. این حضور، بیانی از نقش هویتی - اجتماعی میدان است. میدان‌ها به خوبی توانایی برآوردن این نقش را در فضای شهری دارند که افراد را از من به ما تبدیل کنند و توان‌مندی‌های خوبی برای احراز هویت جمعی‌اند. چرا که هر کس با وجود در آن‌ها محیط را همراه دیگران تجربه می‌کند. میدان‌ها شکل مناسب کالبدی هستند که فردیت را به جمعیت می‌خوانند. شولتز^(۱۹) از این ویژگی فضای شهری به عنوان یکی از ساختارهای اساسی ذهن خودآگاه یاد می‌کند و آن را عامل دروغت این موضوع می‌داند که تا



نمودار شماره ۱: تبیین نقش میدان و عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهر

نتیجه گیری

دستاوردهای این مقاله به دو بخش تقسیم می‌شوند: نخست مباحث شناختی در باره میدان ایرانی و توان‌های فضای شهری میدان برای بافت‌های شهری و دوم آسیب‌هایی که به علت تنزل جایگاه میدان شهرهای امروز به آن مبتلا هستند. این نتایج مبنای ارائه پیشنهادها و راه‌کارهایی برای بهبود جایگاه میدان در شهر می‌شوند.

این پژوهش با تحلیل و ترکیب تعاریف موجود از میدان، تعریف مفصل‌تری را با توجه به اجزای آن ارائه داد. در این تعریف میدان گونه‌ای از فضاهای شهری و مکتبی برای حادث شدن و ترکیب تمرکزهای عملکردی یا معنایی و بروز فعالیت‌های اجتماعی شناخته شد. در این فضا، عرصه بر مسیر و درنگ بر حرکت غلبه دارد. میان‌ه و کناره و جداره به عنوان اجزا و میثه بویژه در میدان ایرانی اصلی‌ترین جزء شناخته می‌شود.

از ویژگی‌های ماهوی میدان غلبه سکون بر حرکت است که این امر تناسب‌های کالبد میدان را از سمت فضای خطی به سمت گستره‌ها می‌کشد. در چنین فضایی غالباً انتظار بروز رفتارهایی هست که در مقصد بروز می‌کند. ترکیب نامتناسب گونه‌های فضای شهری و غلبه یلغتن راه‌ها و کم رنگ شدن میداین، به عنوان آسیب اصلی شناخته می‌شود که صحنه فعالیت و بروز تعاملات و دستیابی به تلقی‌های هویتی را از شهروندان می‌گیرد.

آن چه امروزه بر روی تابلوهای راهنمای شهری به نام میدان خوانده می‌شود، نه تنها میدان نیست که این نام و محتوای آن به

تدریج جایگاه میدان را در اذهان مردم تغییر داده است. فلکه‌های میدان نام امروز شهرها، عملاً توانایی ممتازی نسبت به لبه خیابان برای احراز وضوح و احساس کلیت از شهر ندارند و الگوی حضور در آن‌ها از مکث و تأمل که الگوی حضور در میدان‌های پیاده در بافت‌های تاریخی است، به حرکت مبدل شده است. این فضاها، ساختاری برای عبور بی‌تواضع اتومبیل‌ها از کنار هم بدون ایجاد رغبت و تمایل برای تعاملات اجتماعی انسان با انسان می‌سازد و یا این تعاملات را در حد رعایت قوانین رفتاری تقلیل می‌دهد. مرکزیت نیز که در بافت‌های تاریخی با گونه میدان نمود پیدا می‌کند، در کلان‌شهرهای امروز ایران چون تهران، اصفهان، شیراز و ... با وضوح و خوانایی قابل تعریف نیست و از عواقب آن ایجاد سیمای شهری با درجه وضوح پایین است. این مقاله تنزل جایگاه میدان را یکی از عوامل دخیل در این مسئله می‌شمارد.

یکی از ابتلاعات میدان‌های شهری امروز عدم هدفمندی در طراحی کاربری‌های کناره میدان است. این کاربری‌ها عملاً تداوم کاربری‌های خیابانی است و توان ویژه‌ای در ایجاد تمرکز در عرصه میدان ندارند. در حالی که این مورد به قوت در مورد میدان‌های بافت‌های تاریخی قابل مشاهده است. اصولاً هر میدان، پیشخوانی برای وقوع رویدادی با درجه اهمیت و مراتبی بالاتر از رویدادهای مسیری است.

میداین شهری، امروزه به علت عدم برقراری رابطه با بافت پستوانه، و تعلق با مراتب شهری (محلی، ناحیه‌ای و شهری) اجزایی منفک از بافت به شمار می‌روند. در این حالت توان ایجاد گراتش و تأمین

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری شهرسازی با عنوان «تحلیل تأثیر جنبه‌های زیباشناختی بر الگوهای رفتاری در فضاهای شهری» است که در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و به راهنمایی دکتر محمد تقی‌زاده و مشاوره خانم دکتر فرح حبیب انجام شده است.

2. Sitte, Camillo
3. Zocker, Poul
4. Kerier, kob
5. Thiis Evensen, Tromas
6. Moughtin, Cliff

۷. این تقسیم‌بندی توسط دکتر حسین سلطان‌زاده انجام شده است و در کتاب فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران قابل بررسی است (منبع شماره ۱۰)

۸. اهری، زهرا (۱۳۸۰)، مکتب شهرسازی اصفهان، دانشگاه هنر، اصفهان.

۹. این پژوهش توسط دکتر جهانشاه پاکزاد و همکاران انجام شده است (منبع شماره ۶).

۱۰. نگارنده این مقاله دکتر محمد تقی‌زاده است (منبع شماره ۱۹).

11. Koolhaas, Rem
12. Trancik, Roger
13. Bently, Ian
14. Lynch, Kevin
15. Mumford, Lewis
16. Schutz, Alfred
17. Hedman, Richard

خدماتی مشخص برای محدوده‌ای نسبتاً مشخص را ندارند و معترف حریم نیستند و توان ایفای نقش به مثابه هسته‌های محله‌ها را ندارند؛ لذا پیوندی با بافت پشتوانه و جاذبه‌ای برای حضور را در خود برای ساکنان ایجاد نمی‌کنند.

یکی از نکته‌های مهم قابل اشاره، مسئله شناخت هویت جمعی و شهری برای پایداری اجتماعی زندگی شهری است. همان گونه که احراز هویت شهری حائز اهمیت است، شناختن آن توسط جمع و گروهی که بدان متصف هستند نیز در حفظ و تداوم پویای آن مهم است. تنزل جایگاه میدان در هر دو مورد و بویژه در مورد بازنمایی و شناساندن هویت شهری اثر منفی دارد.

در خاتمه با اشاره به نقش میدان در شهر می‌توان عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن را چنین تبیین نمود:

نقش میدان به عنوان گونه‌ای از فضاهای شهری فراهم آوردن عرصه‌ای با غلبه سکون به حرکت است. این فضا ضمن تمرکز بخشی به بافت و نمایان کردن کلیت شهر، توان ارتباط دادن عنصر پیرامون و اختلاط کاربری‌ها را دارد. این اختلاط در میزان سرزندگی فضای شهری بسیار مؤثر است. در مجاورت عنصر هویت ساز شهر ایرانی - اسلامی چون مساجد جامع، مساجد محله‌ها و تکایا و ... این گونه فضای شهری توان تقویت صفت خوانایی را در شهر دارد و با ایجاد فضای گشاده‌ای به مثابه حیاط شهری، جمعیت را به مکان ویژه‌ای می‌خواند و به همگرایی و ایجاد گرایش در بافت منجر می‌شود. این فضا با آمیختگی کاربری‌ها و معانی زندگی اجتماعی به صورت نمودی مبتین هویت شهری ایفای نقش می‌کند. لذا عدم توجه این فضا و بی‌اقتبالی آن در میان سررشته‌های شهری به بی‌مرکزی و واگرایی در بافت شهری انجامیده است. از دیگر آسیب‌های ناشی از تنزل جایگاه میدان شهری، تقلیل امکان شناخت کلیت شهر است؛ چرا که میدان یکی از اجزای اصلی است و حذف آن از خوانایی بافت شهری می‌کاهد. همچنین، با حذف میدان، فعالیت‌های میدانی در دیگر گونه‌ها مستقر می‌شوند که این امر به مغشوش شدن نقش دیگر گونه‌ها نیز منجر می‌شود. میدان مکثی برای تجمع و ظرفی برای گردهم آوری است، حال آن که امروزه این وظیفه بر دوش مسیرها سنگینی می‌کند. حذف این فضا در طولانی مدت منجر به کم‌رنگ شدن یا حذف دسته‌ای از رفتارهای جمعی می‌شود که روزگاری بخشی از زندگی جمعی مردم بوده است. حذف این گونه به ناتوانی شهر در نمایاندن هویت شهری می‌انجامد و سبب کم‌رنگ شدن روح زندگی می‌شود. لذا به نظر می‌رسد نخستین راه‌کار برای احیای جایگاه میدان در شهرهای امروزی بهره‌گیری از فضای شهری میدان در طرح‌های نوسازی و بهسازی شهری در جهت تقویت تلقی هویتی، مشخص کردن سررشته‌ای برای عرصه حضور پیاده در مکثی به عنوان میدان در مقابل سرانته مشخص شده برای مسیرها، تقویت میله میدان به وسیله تناسب کاربری‌های بدنه با این فضا و استقرار کاربری‌های بدنه با این فضا و استقرار کاربری‌های جمعی متناسب با مقیاس میدان شهری، محله‌ای و همسایگی در بافت شهرهای امروزی باشد.

۲۰- نقی زاده، محمد (۱۳۸۶)، *ادراک زیبایی و هویت شهر*، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.

۲۱- هدمن، ریچارد و آندرو یازوسکی (۱۳۷۰)، *مبانی طراحی شهری*، راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

22- Alexander, cristoper and others (1977), *New Theory in urban Design*, Oxford university press, London.

23- Lloyd, David, (1992), «*The Making of English Tuwns: 2000 years of evolution*», victor Gollancz, London.

24- Moughtin , Cliff (1992), *Urban Design – Street and square*, Butler worth Architecture.

25- Schutz, Alfred (1962), «*The Pproblem of Social Reality*» Martinus Nijhoff, The Hague.

26- Schmitt, Pantel (1990), *Collective Activities and the Political in the Greek City*, O. Murray and S. Price, eds, The Greek city : From Homer to Alexander, clarendon Press, oxford.

27- Tran cik, Roger (1986), *Finding Lost Space*, Theories of urban Desiqn, Van Nostrand Reinhold company, New York.

۱- آسیلی، محمد (۱۳۸۹)، *میادین شهری معنا و مفهوم تا واقعیت آن در شهرهای ایرانی*، طحان، تهران.

۲- اهری، زهرا (۱۳۸۰)، *در مکتب شهرسازی اصفهان*، دانشگاه هنر، اصفهان .

۳- پرومند، اسفندیار (۱۳۷۴)، *میدان، فضای شهری گمشده در شهرسازی امروز ایران*، مجموعه مقالات ارگ ۴۰، ج ۲، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ص ۱۳-۲۵.

۴- بنتلی، یان و دیگران (۱۳۸۲)، *محیط‌های پاسخگو*، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

۵- پارسی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، «*شناخت محتوای فضای شهری*»، هنرهای زیبا، ش ۱۱، ص ۴۱-۴۹.

۶- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۴)، *راهنمای طراحی فضاهای شهری*، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

۷- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸)، *سیرالندیشه‌ها در شهرسازی از فضا تا مکان*، ج ۳، انتشارات شهیدی، تهران.

۸- توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۱)، *طراحی فضاهای شهری*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۹- تیس اونس، توماس (۱۳۸۷)، *گونه‌شناسی فضا در شهرسازی*، مهشید شکوهی، دانشگاه تهران، تهران.

۱۰- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۷)، *فرهنگ دهخدا*، دانشگاه تهران، تهران.

۱۱- سلطان زاده، حسین (۱۳۸۵)، *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران، ج ۳، تهران.

۱۲- کریر، راب (۱۳۸۳)، *فضای شهری*، خسرو هاشمی نژاد، نشر خاک، اصفهان.

۱۳- کالن، گوردن (۱۳۷۷)، *گزیده منظر شهری*، منوچهر طبیبیان، دانشگاه تهران، تهران.

۱۴- گلکار چالستری، م. (۱۳۷۷)، *نقطه سوم*، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان.

۱۵- لپنچ، کوین (۱۳۷۵)، *سیمای شهری*، منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، ج ۴، تهران.

۱۶- مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، *فضاهای عمومی و خصوصی شهری*، فرشاد نوریان، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

۱۷- نصری، عبدالله (۱۳۸۷)، *تکاپوگر اندیشه‌ها*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

۱۸- نژادستاری، سعیده (۱۳۸۸)، *تحلیل تأثیر جنبه‌های زیبایی‌شناختی پراگنده‌های رفتاری در فضاهای شهری*، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۱۹- نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، «*تأملی در روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی*»، هنرهای زیبا، شماره ۲۵.